

راستش برای نوشتن این مقدمه خیلی فکر کردم. چون اغلب در مقدمه‌ها حرف‌های تکراری نوشته می‌شود. نمی‌دانستم از چی و از کجا بنویسم که برایت جذاب باشد یا حداقل حوصله‌ات سر نرود. متن را با موضوع‌های مختلف نوشتم اما دیدم آن‌چه می‌خواستم نشد و شروع کردم به خط خطی کردن نوشته‌ها. از سر خط شروع کردم راجع به همین اتفاقی که در حین نوشتن سخن آغازین برایم افتاد بنویسم؛ «تسلیم نشدن» تسلیم نشدن لذت‌بخش است برای رسیدن به همه چیز باید تلاش کرد تازه بعضی تلاش‌ها هم به نتیجه نمی‌رسد اما مهم تلاش کردن است که در خلوت انگیزه‌ی آدم را بالا می‌برد. این چرخه در زندگی ما مدام در حال تکرار است. حالا که داری بزرگ می‌شوی و به جامعه‌ای پا می‌گذاری که از فکر کردن و کتاب خواندن فاصله گرفته، آدم‌ها از سکوت و تأمل کردن و رسانه‌ها از اندیشه ساختن دست برداشته‌اند تسلیم نشو. چیزهایی که برایت مهم هستند را مشخص کن و برای آن‌ها تلاش کن. زندگی آگاهانه می‌تواند یکی از مهم‌هایی باشد که ارزش تلاش دارد. یادت باشد یک جنگجو همیشه قهرمان است چه پیروز باشد چه نباشد.

